



# دروس تمهیدیہ فی الفقہ الاصدالی

كتاب الطهارة

سطح ۲

## درس هشتم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین امینی  
آموزشیار : آقا مهاجری

## مقدمه

مباحث مربوط به پوشش عورت در درس قبل گذشت. رسالت این درس بیان احکام مخصوص به تخلی می باشد که در این زمینه نه مساله بین می گردد و در ادامه مستند و دلیل دو مساله مورد بحث و تحلیل قرار می گیرد.  
مراجعةه به مباحث مربوط به اجماع مدرکی برای فهم بهتر مباحث این درس مفید خواهد بود.

## متن عربي

أحكام خاصة بالتلخلي

المشهور حرمة استقبال القبلة و استدبارها حالة التخلل.

و يظهر موضع البول بغسله بالماء فقط مرة واحدة. و قبل مرتين.

و أما موضع الغائط فيظهر ايضاً بكل جسم قالع للنجاسة.

و قيل بطهارة ماء الاستنجاء اذا لم تصبه اجزاء متميزة من النجاسة و لم يتغير و لم تصبه نجاسة اخرى.

و المستند فى ذلك:

١- أما حرمة الاستقبال و الاستدبار حالة التخلل، فلتسلم الاصحاب عليها إلا من بعض المتأخرین كصاحب المدارك حيث ذهب الى الكراهة.

و المهم هو التسالم المذكور بين المتقدمين الذى قد يجعل كاشفاً عن وصول الحكم يداً بيد من المعصوم عليه السلام و إلا فالروايات بين ضعيف السنّد كرواية الهاشمي عن النبي صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إذا دخلت المخرج فلا تستقبل القبلة و لا تستدبرها و لكن شرّقوا او غربوا» أو ضعيف الدلالة و السنّد كمرفوعة محمد بن يحيى: «سئل ابو الحسن عليه السلام: ما حدّ الغائط قال: لا تستقبل القبلة و لا تستدبرها و لا تستقبل الريح و لا تستدبرها» فان السياق قرينة على ارادة الأدب الاسلامي. و عليه فالحكم بالحرمة قابل للتأمل بعد ضعف الروايات و احتمال استناد المجمعين اليها.

٢- و أمّا طهارة موضع البول بغسله بالماء فقط فلصيحة زرارة عن أبي جعفر عليه السلام: «لا صلوة الا بظهور و يجزي من الاستنجاء ثلاثة احجار. بذلك جرت السنة من رسول الله صلى الله عليه و آله. و اما البول فانه لابد من غسله» على أن ذلك مقتضى الأصل بلا حاجة إلى رواية.

## احکام مخصوص به تخلی

مسئله اول:

هنگام تخلی رو به قبله بودن و پشت به قبله بودن حرام است.

مسئله دوم:

مخرج بول فقط با آب پاک می شود.

مسئله سوم:

طبق نظر مصنف برای تطهیر مخرج بول یکبار آب ریختن کفايت می کند.

مسئله چهارم:

برخی از فقهاء معتقدند که برای تطهیر مخرج بول لازم است دو بار آب ریخته شود.

مسئله پنجم:

مخرج غائط به جز آب با هر چیز دیگری مثل سنگ یا پارچه که از بین برندۀ عین نجاست باشد، تطهیر می شود.

مسئله ششم:

آب استنجاء (آبی که برای تطهیر روی مخرج بول یا غائط ریخته می شود) پاک است.

مسئله هفتم:

پاک بودن آب استنجاء مشروط به این است که یکی از اوصاف سه گانه آن یعنی رنگ، بو و مزه آن تغییر نکند.

مسئله هشتم:

پاک بودن آب استنجاء مشروط به این است که اجزای جدا شده از نجاست همراه آن نباشد.

مسئله نهم:

پاک بودن آب استنجاء مشروط به این است که نجاست دیگری همراه بول یا غائط وجود نداشته باشد.

## تطبیق

### احکام خاصه بالتخلی

احکام مخصوص به تخلی از بول یا غائط

المشهور حرمة استقبال القبلة و استدبارها حالة التخلی.

مشهور به حرمت رو به قبله بودن و پشت به قبله بودن در حالت تخلی قائل هستند.

و يظهر موضع البول بغسله بالماء فقط مرة واحدة. و قبل مرتين. و أما موضع الغائط فيظهر ايضاً بكل جسم قالع للنجاسة.

و مخرج بول فقط با آب با یکبار شستن پاک می شود و گفته شده که با شستن دوبار. و اما مخرج غائط به غیر از آب با

هر چیزی که زائل کننده عین نجاست باشد پاک می گردد.

و قيل بظهوره ماء الاستنجاء اذا لم تصحبه اجزاء متميزة من النجاسة و لم يتغير و لم تصبه نجاسة اخرى.

و گفته شده که آبِ تطهیر مخرج بول یا غائط، در صورتی که اجزای جدا شده از نجاست (بول یا غائط) همراه آن نباشد و (یکی از اوصاف سه گانه آن) تغییر نکند و نجاست دیگری غیر از بول یا غائط به آن برخورد نکند، پاک است.

Sco1: ۹:۱۰

## مستند مساله اول

مساله اول مورد تسالم اصحاب است مگر از طرف بعضی از متاخرین مثل صاحب مدارک که قائل به کراحت می باشد و عمدۀ مستند آن همین تسالم اصحاب است که می تواند کاشف از قول معصوم علیه السلام باشد و الا روایات مساله بر دو قسم است که هر دو ضعیف هستند:

الف. روایاتی مثل روایت هاشمی که از نظر دلالت خوب هستند ولی از نظر سند ضعیف هستند. متن این روایت در بردارنده نهی از رو به قبله بودن و پشت به قبله بودن در حال تخلی است و دلالت نهی بر حرمت بدون اشکال می باشد، ولی همانگونه که بیان شد سند روایت ضعیف است.

ب. روایاتی مثل مرفوعه محمد بن یحیی که هم دچار ضعف سند هستند هم دچار ضعف دلالت. ضعف سند این روایت بخاطر مرفوعه بودن آن است زیرا بین محمد بن یحیی و ابو الحسن علیه السلام چند واسطه حذف شده است. و ضعف دلالت آن به خاطر این است که در این روایت، نهی از رو به قبله بودن و پشت به قبله بودن در سیاق نهی از رو به باد بودن و پشت به باد بودن در حین تخلی وارد شده است در حالی که نهی از رو به باد بودن و پشت به باد بودن در حین تخلی نهی کراحتی است پس نهی از رو به قبله بودن و پشت به آن بودن هم نهی کراحتی می شود و بیش از این از روایت به دست نمی آید.

بنابر این تنها دلیل مساله، تسالم اصحاب است که طبق نظر مصنف آن هم ضعیف است زیرا تسالم اصحاب دو منشأ می تواند داشته باشد:

۱. سیره مترمعه که متصل به زمان معصوم باشد و مورد ا مضاء معصوم واقع شده باشد.
۲. روایات مساله که بیان شد.

در صورتی که منشأ تسالم اصحاب روایات مساله باشد، تسالم اصحاب از باب اجماع مدرکی است که جدای از روایات مورد استناد حجیتی ندارد و از آنجا که روایات مساله ضعیف هستند نمی توان به آنها استناد نمود. بنابر این احتمال مدرکی بودن تسالم اصحاب وجود دارد و این تسالم حجت نیست پس نمی توان حرمت رو به قبله بودن و پشت به قبله بودن را در حین تخلی اثبات نمود و لو اینکه مشهور قائل به آن باشند.

FG1

## تطبیق

و المستند فی ذلك:

و مستند در احکامی که بیان شد عبارت است از:

۱- أما حرمة الاستقبال والاستدبار حالة التخلّى، فلتـسالم الاصحـاب علـيـها إـلا من بعض المـتأخـرين كـصـاحـبـ المـدارـكـ حيث ذهـبـ إـلـىـ الكـراـهـةـ.<sup>۱</sup>

۱- اما حرمت رو به قبله بودن و پشت به قبله بودن در حال تخلی به خاطر تسالم اصحاب بر آن است مگر بعضی از مـتأخـرينـ مـثـلـ صـاحـبـ مـدارـكـ کـهـ قـائـلـ بهـ کـراـهـتـ شـدـهـ استـ.

و المـهمـ هوـ التـسـالـمـ المـذـكـورـ بـيـنـ المـتـقـدـمـينـ الـذـىـ قدـ يـجـعـلـ کـاـشـفـاـ عنـ وـصـولـ الـحـكـمـ يـدـاـ بـيـدـ منـ الـمـعـصـومـ عـلـيـهـ السـلـامـ وـ إـلـاـ فالـرواـيـاتـ بـيـنـ ضـعـيفـ السـنـدـ كـرـواـيـةـ الـهـاشـمـيـ عـنـ النـبـيـ صـلـىـ اللهـ عـلـيـهـ وـ آـلـهـ:ـ «ـإـذـ دـخـلـتـ الـمـخـرـجـ فـلـاـ تـسـتـقـبـلـ الـقـبـلـةـ وـ لـكـنـ شـرـقـواـ اوـ غـرـبـواـ»<sup>۲</sup>

و مـهـمـ درـ مـسـالـهـ هـمـيـنـ تـسـالـمـ مـذـكـورـ بـيـنـ قـدـماءـ استـ کـهـ گـاهـيـ کـاـشـفـ اـزـ رـسـيـدـنـ حـكـمـ بـهـ صـورـتـ دـستـ بـهـ دـستـ اـزـ مـعـصـومـ عـلـيـهـ السـلـامـ مـىـ باـشـدـ وـ إـلـاـ روـايـاتـ مـسـالـهـ بـرـخـىـ مـثـلـ روـايـتـ هـاشـمـيـ اـزـ پـيـامـبـرـ صـلـىـ اللهـ عـلـيـهـ وـ آـلـهـ:ـ «ـهـنـگـامـيـکـهـ دـاخـلـ مـتـسـرـاحـ شـدـيـ روـ بـهـ قـبـلـهـ وـ پـشتـ بـهـ قـبـلـهـ نـبـاشـ وـ لـيـ بـهـ طـرـفـ شـرـقـ يـاـ غـرـبـ (ـقـبـلـهـ)ـ بـنـشـينـ»ـ دـچـارـ ضـعـفـ سـنـدـ استـ..

أـوـ ضـعـيفـ الدـلـالـةـ وـ السـنـدـ كـمـرـفـوعـةـ مـحـمـدـ بـنـ يـحـيـيـ:ـ «ـسـئـلـ اـبـوـ الـحـسـنـ عـلـيـهـ السـلـامـ:ـ ماـ حـدـ الـغـائـطـ قـالـ:ـ لـاـ تـسـتـقـبـلـ الـقـبـلـةـ وـ لـاـ تـسـتـدـبـرـهاـ وـ لـاـ تـسـتـقـبـلـ الـرـيـحـ وـ لـاـ تـسـتـدـبـرـهاـ»<sup>۳</sup>ـ فـانـ السـيـاقـ قـرـيـنـةـ عـلـىـ اـرـادـةـ الـأـدـبـ الـاسـلـامـيـ.

و بـرـخـىـ مـثـلـ مـرـفـوعـةـ مـحـمـدـ بـنـ يـحـيـيـ:ـ «ـاـزـ اـبـوـ الـحـسـنـ عـلـيـهـ السـلـامـ سـوـالـ شـدـ کـهـ:ـ حـدـ وـ شـرـطـ غـائـطـ چـيـسـتـ؟ـ فـرمـودـ:ـ روـ بـهـ قـبـلـهـ نـبـاشـ وـ پـشتـ بـهـ قـبـلـهـ نـبـاشـ وـ روـ بـهـ بـادـ نـبـاشـ وـ پـشتـ بـهـ بـادـ نـبـاشـ»ـ هـمـ دـچـارـ ضـعـفـ سـنـدـ هـسـتـنـدـ وـ هـمـ دـچـارـ ضـعـفـ دـلـالـتـ زـيـرـاـ سـيـاقـ (ـوـرـودـ نـهـيـ اـزـ روـ بـهـ قـبـلـهـ بـوـدـنـ وـ پـشتـ بـهـ آـنـ بـوـدـنـ درـ کـنـارـ نـهـيـ کـراـهـتـيـ)ـ قـرـيـنـهـ بـرـ اـرـادـةـ اـدـبـ اـسـلـامـيـ (ـکـراـهـتـيـ بـوـدـنـ نـهـيـ)ـ مـىـ باـشـدـ.

و عـلـيـهـ فـالـحـكـمـ بـالـحرـمـةـ قـاـبـلـ لـلـتـأـمـلـ بـعـدـ ضـعـفـ الرـوـايـاتـ وـ اـحـتمـالـ اـسـتـنـادـ المـجـمـعـيـنـ اـلـيـهـ.

بنـابـرـ اـيـنـ حـكـمـ بـهـ حـرـمـتـ اـسـتـقـبـالـ وـ اـسـتـدـبـارـ قـبـلـهـ درـ حالـ تـخلـىـ،ـ بـعـدـ اـزـ آـنـکـهـ روـايـاتـ مـسـالـهـ ضـعـيفـ استـ وـ اـحـتمـالـ اـسـتـنـادـ اـجـمـاعـ کـنـنـدـگـانـ بـهـ آـنـ روـايـاتـ وـ جـوـدـ دـارـدـ،ـ قـاـبـلـ تـامـلـ (ـضـعـيفـ)ـ استـ.

Sco۲: ۲۱: ۰۷

## مستند مـسـالـهـ دـوـمـ

دلـيلـ اـيـنـکـهـ مـخـرـجـ بـوـلـ حـتـمـاـ بـاـيـدـ بـاـآـبـ پـاـکـ شـوـدـ نـهـ چـيـزـ دـيـگـرـ مـثـلـ سنـگـ يـاـ پـارـچـهـ دـوـ چـيـزـ استـ:

الفـ:ـ صـحـيـحـةـ زـرـارـهـ بـنـ اـعـيـنـ کـهـ صـرـاحـتـاـ اـيـنـ نـکـتـهـ رـاـ بـيـانـ مـىـ کـنـدـ کـهـ مـخـرـجـ بـوـلـ حـتـمـاـ بـاـيـدـ بـاـآـبـ پـاـکـ شـوـدـ

بـ:ـ اـسـتـصـحـابـ نـجـاـسـتـ بـعـدـ اـزـ پـاـکـ کـرـدـنـ مـخـرـجـ بـوـلـ بـاـ چـيـزـهـايـيـ غـيرـ اـزـ آـبـ،ـ مـثـلـ کـلـوـخـ يـاـ پـارـچـهـ.

FG ۲

۱. مـدارـکـ الـاحـکـامـ:ـ ۱۵۸/۱

۲. وـسـائـلـ الشـيـعـهـ،ـ بـابـ ۲ـ مـنـ اـبـوـابـ اـحـکـامـ الـخـلـوةـ،ـ حـدـيـثـ ۵ـ.

۳. نـفـسـ الـمـصـدـرـ،ـ بـابـ ۲ـ مـنـ اـبـوـابـ اـحـکـامـ الـخـلـوةـ،ـ حـدـيـثـ ۲ـ.

۲- و أَمَّا طهارة موضع البول بَغْسله بالماء فَقُطْ فَلِصَحِيْحَةِ زَرَارَةِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا صَلْوَةُ إِلَّا بُطْهُورٍ وَيَجْزِيْكُ مِنَ الْاسْتِنْجَاءِ ثَلَاثَةُ احْجَارٍ. بِذَلِكَ جَرَتِ السُّنَّةُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ. وَإِنَّ الْبَوْلَ فَانِه لَا بُدُّ مِنْ غَسْلٍ»<sup>۱</sup> عَلَى أَنَّ ذَلِكَ مَقْنَصِيَ الْأَصْلِ بِلَا حَاجَةٍ إِلَى رِوَايَةٍ.

۲- وَ اِمَّا پَاكَ شَدَنَ مُخْرَجَ بَوْلٍ بِوَاسِطَةِ شَسْتَنَ آنَ فَقُطْ بِآبٍ بِهِ خَاطِرٌ صَحِيْحَةُ زَرَارَةِ اِزْ اِمامٍ بِاقْرَارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِسْتَ: «نَمَازٌ نَيْسَتْ مَكْرُ بِالْطَهَارَةِ وَ بِرَأْيِ طَهَارَتْ مُخْرَجَ غَائِطٍ، سَهْ سَنْگَ بِرَايِتْ كَفَایَتْ مَىْ كَنْدَ. سَنَتْ پِيَامِبرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِرَأْيِ اِينَ مَطْلَبِ جَارِيِ شَدَهِ اِسْتَ وَ اِمَّا بَوْلٌ حَتَّمًا بِاِيدِ بِآبٍ شَسْتَهِ شَوْدَ» عَلَوَهْ بِرَأْيِكَهِ عَدَمِ طَهَارَتْ بِوَاسِطَةِ غَيْرِ آبٍ مَقْنَصِيَ اِصْلَعِي (اسْتِصْحَابِ نَجَاستِ بَعْدِ اِزْ تَطْهِيرِ بِغَيْرِ آبٍ) مَىْ باشَدَ بِدُونِ اِينَكَهِ نِيَازِي بِهِ رِوَايَتْ باشَدَ.

Sc0۳: ۲۴: ۱۵

۱ . همان، باب ۹ من أبواب أحكام الخلوة، حديث ۱.

## چکیده

۱. مشهور قائل به حرمت رو به قبله بودن و پشت به قبله بودن در حال تخلی هستند.
۲. مخرج بول فقط با آب پاک می شود آن هم با یکبار شستن و برخی معتقدند که دوبار شستن لازم است.
۳. مخرج غائط به جز آب، با هر چیزی که زائل کننده عین نجاست باشد پاک می شود.
۴. آب استنجاء به سه شرط پاک می باشد:
  - عدم تغیر اوصاف سه گانه آن
  - اجزای جدا شده از نجاست همراه آن نباشد.
  - عدم وجود نجاست دیگری غیر از بول یا غائط به همراه بول یا غائط.
۵. برای حرمت رو به قبله بودن و پشت به قبله بودن دو دلیل وجود دارد که عبارتند از:
  - روایاتی که یا مثل روایت هاشمی دچار ضعف سند هستند و یا مثل روایت محمد بن یحیی دچار ضعف سند و دلالت هستند.
  - تسالم قدماء اصحاب که به خاطر احتمال استناد قدماء اصحاب به روایات مذکور، مدرکی و ضعیف است.
۶. مستند عدم تطهیر مخرج بول به غیر آب دو دلیل است:
  - صحیحه زراره
  - استصحاب نجاست بعد از تطهیر به غیر آب